

## خودیاری

کارآئی لازم را برای پیشبرد هدف به دست می‌آورد، و زیاده براین، کارهای بسیار سخت، بکثرت و خسته کننده بدنی را به کاری دل انگیز، برهیجان و شادی آفرین تبدیل می‌کند. ثانیاً: به دلایلی که در بالا ذکر شد، جریان و حرکت کنش یآوری در «خودیاری» برخلاف سایر «یاوریها» تعریف شده تا اینجا، به صورت خط مستقیم (برون سویه) نبوده، و منحنی بسته‌ای است که به شخص برمی‌گردد. گرچه در «همیاری» نیز پس از یک مرحله و یا مراحل کوششهای فرد به او باز می‌گردد، اما این برگشت نسبت به سایر افراد گروه ناهمزمان می‌باشد، در حالیکه در «خودیاری» نتایج کار غالباً همزمان به افراد گروه باز می‌گردد.

### گونه‌های خودیاری

«خودیاری» را می‌توان از نظر تعداد افراد گروه به ساده (دو نفره) و مرکب (بیش از دو نفر) و از نظر مشارکت در مالکیت، حقوق و وظایف و یا عدم یک مسحور شراکتی، به «خودیاری بخش ناکرده»<sup>۱</sup>، (مشاع) و «خودیاری بخش کرده» (مفروز) و از نظر موضوع و مضمون به خودیاری در زمینه‌های مختلف و از نظر تقسیم و یا عدم تقسیم کار به یک تخصصه (تک ویژه کاری) و چند تخصصه (چند ویژه کاری) تقسیم کرد.

### «خودیاری مشاع»

در «خودیاری مشاع» گروه خودیار در مالکیتی و یا حقی کیاب به صورت مشاع و تفکیک ناشده سهم هستند و همین امر آنها را در اجرای وظایفی نیز سهم و ملزم می‌گرداند. مانند شریک شدن کشاورزان در منابع سنتی آب پس از اصلاحات ارضی، و یا داشتن حقوق مربوط به صاحب نسق بودن پیش از این اصلاحات که سبب شده بود هر دو زمان لایق جویها و نه‌رها به عهده آنان باشد و در این زمینه کشاورزان با یکدیگر خودیاری

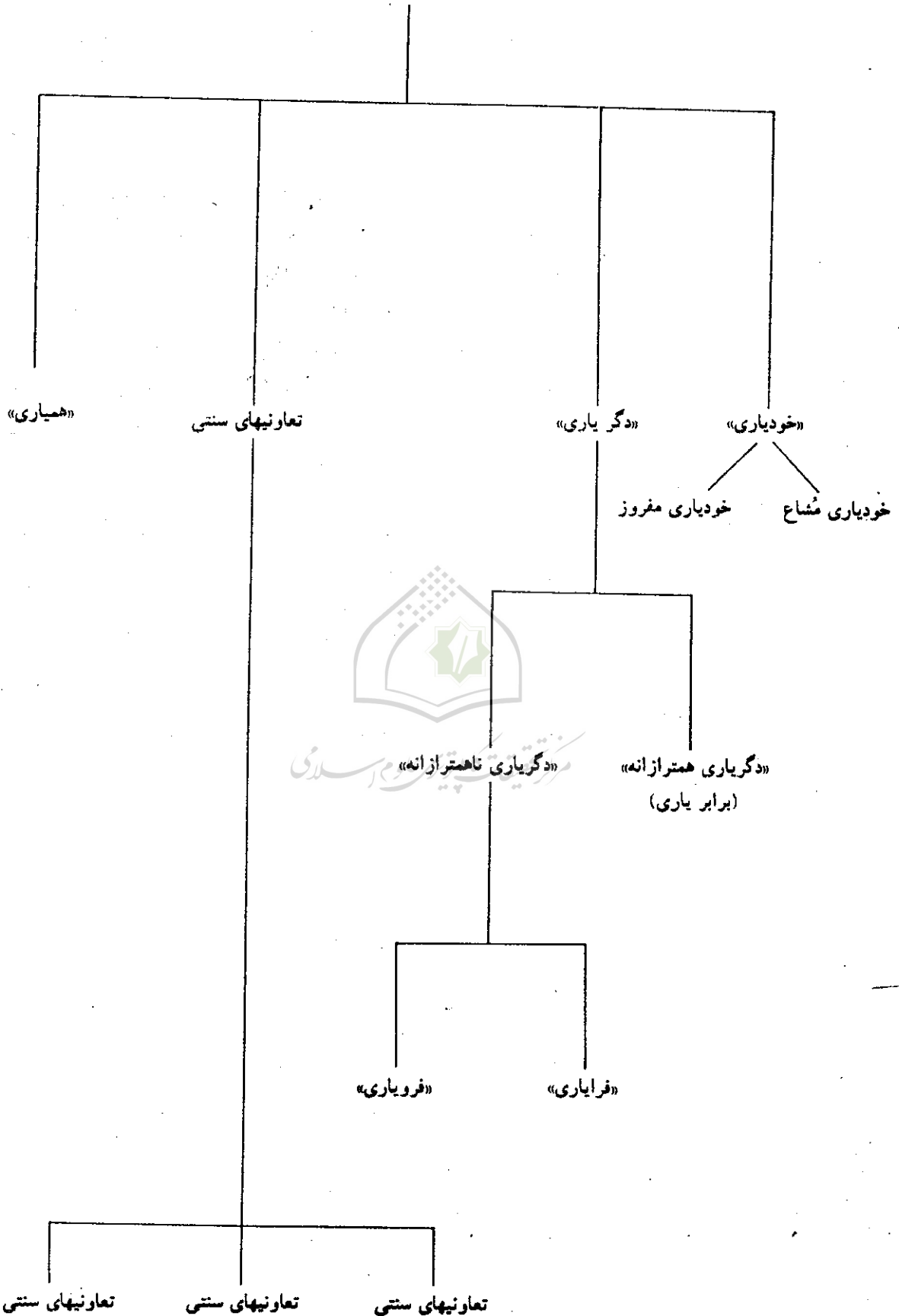
امروزه واژه «خودیاری» در نوشته‌های مربوط به مسائل تعاونیها و برنامه‌ریزی و عمران روستائی، با مفاهیمی مانند همیاری، کمک متقابل و همکاری و تعاون، همچون کلمات مترادف و هم معنا به کار گرفته می‌شود. این واژه در تعریف «شرکت تعاونی» در ماده ۲ قانون تعاون ایران نیز وارد شده است. «شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس انداز موافق اصولی که در این قانون مقرر است، تشکیل می‌شود»<sup>۱</sup>

در این تعریف نیز تا جایی که می‌توان دریافت، مفاهیم «خودیاری» و «کمک متقابل» و «همکاری» به معنای متفاوتی به کار نرفته‌اند. اما نگارنده واژه «خودیاری» را برای نامگذاری نوعی «یاوری سنتی» به کار برده که به نظر می‌رسد، بیش از سایر «یاوریها» با این نام سازگاری دارد. با سایر یاریگریهای اصلی همچون «همیاری» و «دگریاری»<sup>۲</sup> تفاوت‌هایی اساسی دارند، که بایستی شناخته شود:

اولاً: در «یاوریهای» مانند «همیاری» و «دگریاری»، «یاری دهنده» و «یاری» دهندگان از «یاری گیرنده» جدا و فاصل تشخیص می‌باشند. در «همیاری» نیز که پس از یک مرحله، جای «کمک دهنده» و «کسب گیرنده» تغییر می‌کند، باز ایندو از یکدیگر قابل تمیز می‌باشند.

در حالیکه در «خودیاری»، «یاری دهنده» و «یاری گیرنده» قابل تشخیص نیستند، چرا که در واقع ایندو در اینگونه «یاوری» یکی می‌باشند. اما تفاوت «خودیاری» با کار فردی مشخص برای خودش این است، که در «خودیاری» نیروی افراد یک کاسه و سارمان یافته شده،

گزینه‌های «یارگیری» از نظر کیفیت سمت و سوی کنش «یاری»



(۱) - طبقه‌بندی از نگارنده است.

همگام با کار به تبادل عاطفی و ذهنی دست زده، به گفتگو و شوخی و قصه‌گویی و هنر نمائی بپردازند.

محور شراکتی در خودیاری مفروز، منافع مشترکی است که افراد از وجود و نفس گروه برایشان حادث می‌شود. معجزه گروه در اینجا بیش از هر چیز تجهیز روانی گروه برپای دیگرگونی یک کار بسیار یکتواخت و کسل کننده، به امری خوشایند و کاری بسیار آسان و لذت بخش است. گرچه این مسئله در برخی گروه‌های یاریگر دیگر نیز صادق است، اما در اینجا ممکن است منظور اساسی در تشکیل گروه خودیار مفروز باشد. در گذشته کارکرد دیگر گروه خودیار مفروز تأمین گروه در برابر برخی خطرات و یا نیازهای احتمالی بسوده است. در اینجا نیز یاری دهنده از یاری گیرنده قابل تشخیص نیست و نتایج کار در گروه همزمان به همه اعضا برمی‌گردد.

مثالهای سنتی اینگونه یاریگری، گردآوری گروهی میوه‌های جنگلی در روستاهای شمال ایران همچون روستای «آسیابرسیاهکل»<sup>۴</sup> و یا چیندن میوه بلوط در ایلات و روستاهای غرب ایران در گذشته<sup>۵</sup> و یا چیندن گیاهان کوهی «همچون» «چوک» و «ریواس» و «کرفس کوهی» و «جوغاسم»<sup>۶</sup> در روستاهای خمین و اراک و گلبایگان و مسحلات و الیگودرز و... به وسیله گروهمانی از مردان، جوانان و نوجوانان و چیندن گیاهان خوراکی دشتی «همچون» «شنگ» (شنگ)، «بازقزان» (قزازیاتی) و غیره توسط گروه‌های زنان و دختران و یا رسم «دره رفتن»<sup>۷</sup> به نام دیسی گروهی دختران در ایلات و عشایر میرجان که با رفتن به گردش بر سر چشمه و گردشگاههای کوهستانی اطراف همراه است... می‌باشد.

#### «گونه انبیزی» یاریگریها

عشقانانکه تمام پیامها در الفبای کامپیوتر و الفبای ترس تنها با ترکیب دو علامت ساخته می‌شوند و یا از ترکیب چند رنگ اصلی در



این کار را در گروه و فضای گروهی انجام می‌دهد و از خواص و نیروی شگفت آور و لذت کار گروهی بهره‌مند می‌گردد.

در خودیاری مفروز چیزی که افراد گروه را با اشتیاق به دور هم گرد می‌آورد، نیاز به نیروی بدنی بیشتری نیست، بلکه ایجاد شرایط مطلوبی است که فرد بتواند از نیروی بدنی خود در بهترین حالت روانی سود جوید. محور کاری گروه اگر یک کار واحد نباشد که اغلب چنین است، کارهای بسیار یکتواخت و بهمان اندازه یکتواختی، کسل کننده و زجرآور است. و در ضمن چون کار به فضای مستفیر و نیروی زیادی محتاج نیست، در نتیجه افراد می‌توانند

داشته باشند. البته پس از اصلاحات ارضی، در مناطقی که منابع آب سنتی قنات بود، وظیفه آنها در خودیاری شامل لایروبی قناتها نیز شده بود. خودیاری یکی از رایجترین یاریگریهای موجود در جامعه روستایی ماست.

#### «خودیاری مفروز»

در «خودیاری مفروز» کار گروه بر روی موضوعی که در مالکیت مشاع آنها و یا اموال مشترک آنها نهاده شده باشد نیست، و در نتیجه افراد به اجرای وظایفی هم مجبور نیستند. فرد در گروه خودیار مفروز، همچون کار فردی برای خود و با وسایل خود کار می‌کند، اما وی



و نرم ناسگذاری می‌شود.

الف - «خود» - «همیاری» - نوع اول

(خودمشاع همیاری)

گرچه اغلب پنداشته می‌شود که گروه یاریگر تنها برای افزایش و یک کاسه کردن نیروها تشکیل می‌گردد و گرچه این خاصیت بارز گروه از گذشته مورد توجه جامعه‌شناسان و اقتصاددانان قرار گرفته، اما باید افزود در برخی فعالیت‌ها که در جامعه سنتی ما فراوان نیز بوده و هنوز به وفور دیده می‌شود، گروه برای افزایش بازده، برعکس به آزاد کردن نیروی اضافی خود دست زده و این در هنگامی است که گروه خودیار به نیروی کمتری از نیروی کل گروه نیازمند است و یک و یا چند تن به نوبت و به نمایندگی از جانب گروه عمل می‌کنند.

این نوع یاریگری ترکیبی از «خودبازی مشاع» و «همیاری» اعضاء نسبت به یکدیگر می‌باشد و مشخصات خودبازی مشاع و همیاری را در خود گرد آورده است.

نمونه بسیار فراوان این نوع یاریگری، چراندن به نوبت گله توسط دامداران خرده پا است، به نسبت تعداد گوسفندانی که در گله دارند<sup>۸</sup> در گله‌های بزرگتر ممکن است این کار همراه با استخدام چوپانی از طرف گروه خودیار انجام پذیرد. این نوع یاریگری در نگاهیانی از کشت و آب<sup>۹</sup> به ویژه در گذشته در برخی روستاها وجود داشته است و پس از اصلاحات ارضی در لایروبی قنات فراوان دیده شده است. بدین ترتیب که علاوه بر استخدام مقنی، کشاورزان به نوبت کارهای غیر تخصصی لازم برای لایروبی و یا نوکنی قنات را به عهده می‌گیرند.

ب - «خود» - «همیاری» - نوع دوم (خود

مفروز همیاری)

گونه دیگر «خود» - «همیاری» ترکیب «خودبازی مفروز» با «همیاری» است. این گونه یاریگری گرچه به فراوانی «خود» - «همیاری» نوع اول یافت نمی‌شود، اما هم



هر یک از این اشکال ترکیبی نوین بی‌شک در شرایط خاص و برای پاسخگویی به برخی نیازهای گروه حاصل شده است، که مادر اینجا نقداً به ذکر ترکیب بسنده می‌کنیم.

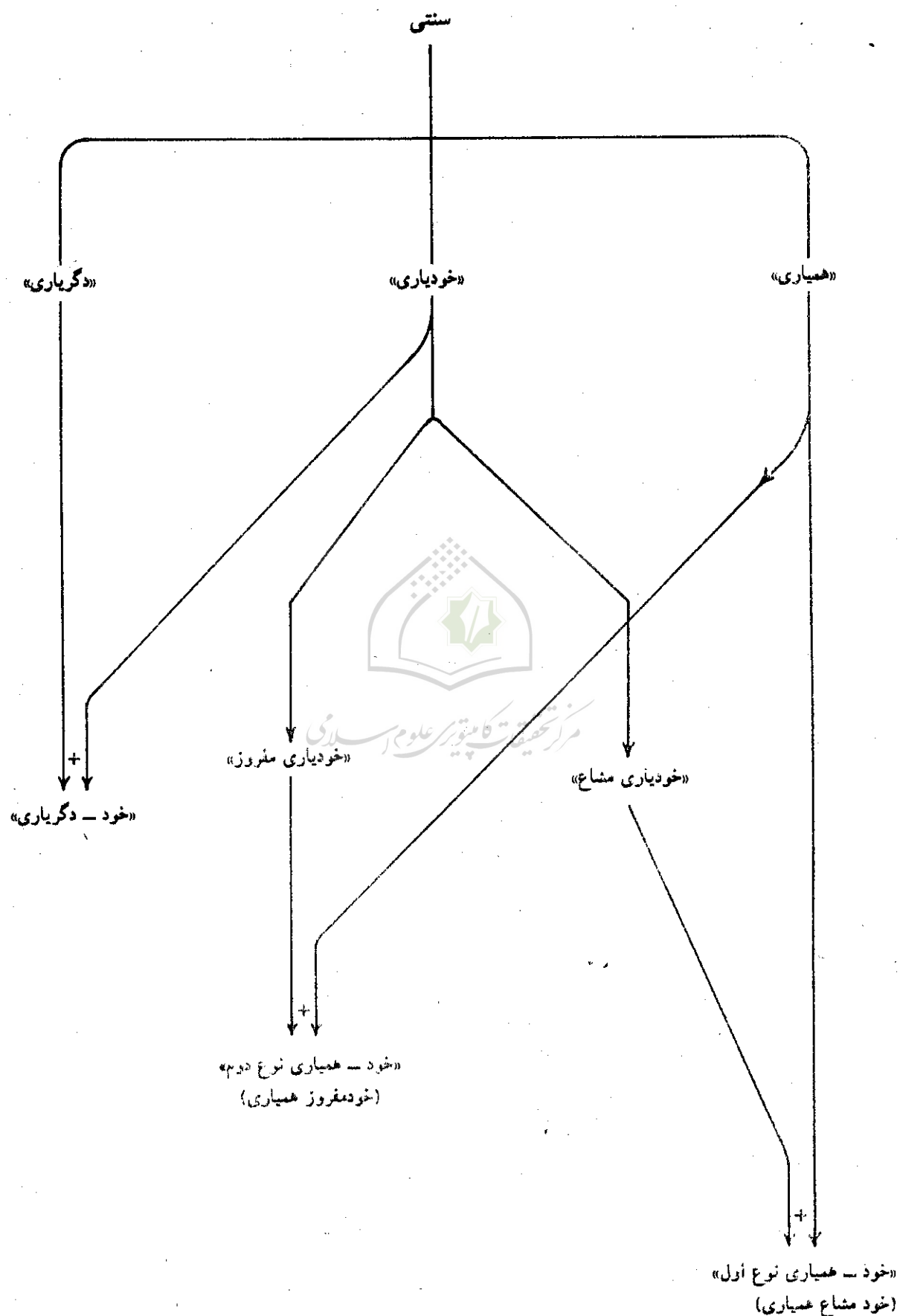
«خود» - «همیاری»

از آنجا که در این گونه‌شناسی ماد و نوع خودبازی مشاع و مفروز را از یکدیگر بازشناخته‌ایم لذا از ترکیب خودبازی و همیاری نیز دو نوع «خود» - «همیاری» به وجود آمده که برای سهولت کار، آنرا به دو نوع اول

نقاشی، رنگهای فراوانی به دست می‌آید. از ترکیب سه نوع اصلی یاریگری (خودبازی، همیاری، دگریاری) شکل‌های تازه‌ای از یاریگری به وجود می‌آیند.

گرچه در هر نوع گروه یاریگر، افزون بر محور اصلی، محورهای ناپایدار و فرعی دیگری نیز در کارنده، اما در اینجا ما به ترکیبهایی نظر داریم که در آن دو یا تعداد بیشتری از یاریگری به شکل بارزی خود را نشان داده و تا اندازه‌ای از نظر شدت و دوام با هم همزور بوده باشند.

### نمودار ۳. گونه آمیزی برخی یاریگرهای





«خودیاری - مفروز» به تنهایی به نام خودیاری یا همیاری نمونه بسیار خوبی در سالیان گذشته است. اعمال نظریه «کار جذاب» شارل در این زمینه بسیار موفق است.

یکی از مصادیق جالب اینگونه خودیاری نوعی «چرخ ريسان»<sup>۱۲</sup> است که در پیرو شهرها و روستاهای اطراف آن در گذشته بسیار معمول بوده است.

گروه زنان چرخ ريسان، در حالیکه هر یک از اعضا گروه برای خود می ريسان است، هر شب در خانه یکی از اعضا به نوبت برده، به وسیله میزبان پذیرائی می شده اند. این پذیرائی دارای عوض بوده و در شبهای آینده توسط سایر اعضا گروه جبران می شده است. بدین ترتیب کار چرخ ريسان که به تنهایی و به ویژه در شب مزاحم دیگران و بسیار یکنواخت و کسل کننده می باشد، در بین گروه همکار و در میهمانی به یکی از نشاط آورترین کارها برای زنان چرخ ريسان درمی آمده است.

### «خود - دگریاری»

نمونه دیگر گونه آمیزی یاریگریها ترکیب و همگامی خودیاری و انواع دگریاری است. یکی از مصادیق زیبای اینگونه یاریگری، مراسم «برف چال»<sup>۱۳</sup> در روستای «آب اسک» آمل است. بدین ترتیب که در یکی از روزهای نیمه اردیبهشت ماه، تمام مردان و پسران بالاتر از هفت سال روستای «اسک» به جمع کردن برف از مناطق برفگیر پیرامون و انبار کردن آنها در محلی خاص می پردازند و اینکار طبق یک سنت کهن برای استفاده از برف این چاله در آینده به وسیله چوپانان و علوفه چنان و رهگذران می شده است.

البته زنان روستای «اسک» نیز در این روز به تشکیل حکومت یکروزه و اجرای مراسم خاص خویش پرداخته، نظم ده و امورات آنرا به دست می گیرند.

از سوی دیگر از طرف متولی امامزاده «نیاک» و از طریق وجوه و موقوفات آن، در

این روستا از اسک به صبحانه پذیرائی به شکل خودیاری می شود. در این روستا در این روز پسران و دخترانی که عروس سزاگردد و یا نامزد شده اند و یا کسانی که کوشش دارند در این سال دوقلو زائیده اند، ۵۵ ایالی را برای پذیرائی این روز پیشکش می کنند.

بخشی از اینکار چون به خاطر استفاده خود اهالی بوده خودیاری و بخش دیگر آن که به خاطر دیگران انجام می شده، دگریاری بشمار می آید. کمک اهالی نیاک و میزبانی امامزاده و نذورات یاد شده نیز از مقوله دگریاری است.

نمونه های فراوان «خود - دگریاری» یاریگریهای مربوط به ساختمان های عام المنفعه همچون مدرسه و مسجد و حمام، پل و حسینیه و غیره است. این البته در هنگامی است که خودیاری اهالی کافی نبوده، به مصالح و کمک های نمایانی از جانب بانیان و نیکوکاران و گاه کار پیشه وران و استادان ماهر نیاز باشد.

### توضیحات و منابع:

۱ - غلامرضا سلیم. ارزش همکاری در فعالیت های تعاونی. تهران، ۱۳۵۷ سازمان مرکزی تعاون کشور. ص ۶

۲ - تعریف و تحدید این دو اصطلاح را آنطور که مورد نظر نگارنده است نگاه کنید به: مرتضی فرهادی. «گونه شناسی یاورها و یاریگریهای سنتی» نامه علوم اجتماعی. دوره جدید. شماره ۱ (۱۳۶۷) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۳ - «بخش ناکرده» زمین مشترکی که قسمت کرده شده نباشد، در اصطلاح حقوقی مالی است که مشترک بین دو یا چند نفر باشد سهم آنها را در خارج توان تمیز داد (لفت نامه دهخدا ص ۴۶۲)

۴ - نبی الله مهدوی آسیابرس. معرفی چند یاریگری در روستای آسیابرس سیاهکل. دست نوشته ص ۱۰ و ۱۱.

۵ - نک به: الف) حسین مهرداد. «کناک». دفتر روستا (ماهنامه دانشجویان دانشسرای عالی سیاه دانش). شماره ۲. سال چهارم. خرداد ۱۳۵۰ ص ۳۲ ب) «بلوط». ماهنامه نور (ویژه نامه هنر و فرهنگ

۱ - ایدل بیور احمدی. «خود یاری» (مؤلفه ۱۳۵۹)

۲ - همکاری زاوران

۳ - گیاهی است که در آن تیره زنبق که ساقه زبر زینی آن خوراکی است، تقریباً در عمق بیست سانتیمتری زمین قرار دارد. برگیهای بلند و باریک است و بر سطح زیرین برگهایش خطوط عرضی ظریف و سفید رنگی به چشم می خورد.

۴ - نک به: ماشالله و نعتی. مسوگرانی ایل قرانی در سیرجان. پایانه نامه دوره لیسانس. دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷. ص ۷۷ نسخه ماشین شده.

۵ - به این کار در روستاهای اراک و خمین و الیگودرز «گنی گله» - «Geygale» و در دلجان «بی گله» و «پساتی» گویند.

۶ - مانند «کشال کشیدن» و «رد زدن». نوعی مهر و موم کردن دور جالیزار و باغهای بادام در برخی روستاهای سیرجان مانند «شرف آباد» قهستان. بدین ترتیب که هر شب به نوبت یکی از کشاورزان با کشیدن یک شاخه بسیار بزرگ و خشک بر روی یک نوار خاک رس و نرم در پیرامون جالیزار و باغات را مهر می کرده اند. صبح زود روز بعد کشاورز ماهر دیگری با بررسی این نوار کشیده شده به اصطلاح آن را «رڈ» می زده است. و در صورت عبور انسان و یا جانوری از آن مسئله را پیگیری و چاره جویی می کرده اند.

نمونه دیگر اینگونه یاریگری در همین آبادی «بنوپون - Bonopun» یا نگهبانی نوبتی کشاورزان از حقایق رودخانه بوده است.

۱۰ - در «واشنان» خوانسار به این نوبتی ها «مرد قنات» گویند.

۱۱ - درباره شارل فوریه (۱۷۷۲ - ۱۸۳۷) نک به:

شارل ژید - شارل ریست. تاریخ عقاید اقتصادی. ترجمه کریم سنجابی تهران، ۱۳۴۷

دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. ص ۳۸۷ - ۴۰۶

۱۲ - نوع دیگری از چرخ ريسان در نقاط دیگر ایران وجود داشته که زنان به صورت همیاری...

برای صاحب خانه (میزبان) کار می کرده اند.

۱۳ - درباره مراسم برف چال نگاه کنید به: مرتضی فرهادی. «دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار، در اسک آمل» فصلنامه رشد علوم اجتماعی. ش ۳ (بهار ۶۹).

۱۴ - حمید میرمردی. «گزارشی از روستای آب اسک». فصلنامه رشد علوم اجتماعی. ش ۳ (بهار ۶۹).